

نقش اضطرار در مسوولیت مدنی

مقدمه

قانون مدنی حالت اضطرار را تعریف نکرده و فقط در ماده ۲۰۶ ضمن اعلام اعتبار معامله اضطراری تصریح می‌نماید که اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نمی‌شود. در اکثر کتب حقوقی نیز بدون اینکه تعریف جامعی از این اصطلاح ارائه شود، حالت اضطرار به اختصار با اکراه مورد مقایسه قرار گرفته و به تاءثیر اضطرار بر اراده مضطر و اثر حقوقی معامله اضطراری اشاره کوتاهی شده است، در حالیکه اثر حقوقی اضطرار در مسئولیت ناشی از جرم و شبه جرم اغلب به سکوت برگزار شده است.

تعاریفی که بعضی از استادان حقوق بشرح زیر از اضطرار ارائه داده‌اند نیز بنحوی نیست که مفهوم حقوقی اضطرار کاملاً روشن شود.

۱ - مرحوم مصطفی عدل در تعریف اضطرار می‌نویسد: اضطرار وقتی است که داعیه عقد مخصوصاً برای واقع ساختن آن ایجاد نشده بلکه در نتیجه حادثه اتفاقی موجود باشد". (۱)

در این تعریف و توضیحات بعدی آن منظور از کلمه "داعیه" روشن نیست چه "اغراض و دواعی گوناگون شخص را بر انجام معامله تحریک می‌کند و از میان آنها همیشه غرض خاصی که از سایرین مهمتر است جهت معامله نامیده می‌شود". (۲)

(۱) مرحوم مصطفی عدل، حقوق مدنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم سال ۱۳۴۲، صفحه ۱۲۲

(۲) آقای دکتر ناصرگان‌نوربان، حقوق مدنی، جداول، صفحه ۳۲۲ شماره ۳۱۶ "تمیز

جهت معامله از سایر دواعی"

بنظر نمی‌رسد که منظور از داعیه در تعریف فوق‌انگیزه و یا جهت معامله باشد چه کلمه داعیه در ارتباط با واقع ساختن عقد قرار گرفته لذا می‌توان گفت که کلمه داعیه در این جمله بجای قصد بکاررفته است که اگر این استنباط صحیح باشد معامله اضطراری از نظر موهلّف معامله ای خواهد بود که در آن قصد وجود ندارد.

۲- مرحوم دکتر سید حسن امامی اضطرار را حالتی می‌داند که "معامله کنندنده در اثر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی خود ناچار بانجام معامله می‌شود" (۱) در خصوص این تعریف باید اضافه کرد که اولاً "مضر همیشه در اثر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود ناچار بانجام معامله نمی‌شود. گاه حتی وضعیت اجتماعی و اقتصادی مضطر کوچکترین نقشی در انجام معامله ندارد و تنها حوادث و وقایع خارجی و یا اوضاع و احوال خاصی است که او را وادار بانعقاد قرارداد می‌نماید. مثال کلاسیک آن مثال ناخدائی است که کشتی اش در حال غرق شدن است و در این حالت تعهد می‌کند مبلغی را بکسی که او را از این وضع نجات دهد بپردازد درحالیکه هیچگونه تناسب و تعادلی بین مبلغ تعهد شده و کار انجام شده وجود ندارد.

ثانیاً "در این تعریف مانند تعریف قبلی اضطرار صرفاً" در محدود مسوئولیت ناشی از قراردادها تعریف شده و اعمال و رفتار ناشی از حالت اضطرار را که در قلمرو مسوئولیت ناشی از جرم و شبه جرم است، در بر نمی‌گیرد.

۳- اضطرار از نظر آقای دکتر جعفری لنگرودی "حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به آن کار، بسابقه آن اوضاع و احوال آن کار را علی‌رغم میل باطنی خود ولی از روی قصد و رضای خاصی (که آنرا در حقوق مدنی رضای معاملی می‌نامند) آن معامله یا آن کار را انجام می‌دهد و این مقدار از رضا حداقل رضائی است که وجود آن شرط نفوذ عقد است." (۲)

بدون اینکه در اینجا مفهوم "رضای معاملی" یا حداقل رضای لازم را مورد بحث قرار دهیم اشاره می‌کنیم که در این تعریف تأکید شده است که در حالت اضطرار تهدید وجود ندارد و حال آنکه مضطر نیز مانند مکره در معرض تهدید است منتها در حالت اکراه

(۱) مرحوم دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول صفحه ۱۹۶

(۲) آقای دکتر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، صفحه ۵۶ شماره ۶۴۴

تهدید، فشار، نگرانی و ترس توسط اکراه کننده یا شخص ثالث به مکره وارد می شود و هدف از آن وادار کردن او بانجام معامله است ولی در حالت اضطرار تهدید، فشار، ترس و نگرانی ناشی از وقایع و یا اوضاع و احوال خارجی است، اوضاع و احوال و یا وقایعی که طرف قرارداد مضطر در ایجاد آن نقشی نداشته است ولی از آن سوءاستفاده یا حداقل بهره برداری غیر عادلانه می کند. آنچه مسلم است این است که مضطر نیز مانند مکره در حالت تهدید، فشار، ترس و نگرانی قرار داشته و تحت تاءثیر شدید این حالت بوده است که تعهداتی را پذیرفته و یا اعمال و رفتاری را که منجر به خسارت شده است انجام داده است. این تعریف در میان تعاریف حقوقی دارای این حسن منحصر بفرد است که تعریف اضطرار در محدوده سوءولیت قراردادی محدود نشده و اعمال و رفتار ناشی از حالت اضطرار را نیز در بر می گیرد.

۴- آقای دکتر ناصر کاتوزیان در تعریف اضطرار می نویسد " در اضطرار فشاری که به معامل وارد می شود، نتیجه اوضاع و احوالی است که مقصود از آن اجبار او به انجام معامله نبوده است. در این مورد محرک انشاء عقد امری درونی و شخصی است و تفاوت آن با سایر معاملات در این است که این محرک ناشی از اشتیاق بانجام معامله نیست بلکه لزوم فرار از ضرر دیگری آنرا بوجود آورده است" (۱)

۵- اضطرار از نظر آقای دکتر سیدحسین صفائی حالتی است که در آن " کسی در نتیجه پیش آمدهای خارج از قرارداد دوبدون اینکه تهدیدی به منظور انجام معامله از جانب کسی متوجه وی شده باشد مجبور به بستن قرارداد گردد" (۲). این تعریف نیز مانند اغلب تعاریف قبلی اولاً "منحصراً" در محدوده سوءولیت قراردادی صادق است ثانیاً "اینکه "محرک انجام معامله" (لزوم فرار از ضرر دیگر) در تعریف نخست " و اجبار به انعقاد قرارداد" در تعریف بعدی تا چه حد بر روی قصد و رضا تاءثیر می گذارد از تعاریف فوق استنباط نمی شود. عبارت دیگر معلولیت یا سلامت رضای مضطر بوضوح از تعاریف فوق مشاهده نمی شود. با این توضیح می توان گفت که: اضطرار حالتی است که در آن، شرایط و اوضاع و احوال خارجی بنحوی است که مضطربدون اینکه توسط کسی مورد تهدید و فشار

(۱) آقای دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، جلد اول، مقدمه، اموال، کلیات قرارداد،

صفحه ۲۹۵ شماره ۲۸۳.

(۲) آقای دکتر سیدحسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، تعهدات و

قرارداد، صفحه ۱۲۸.

قرار گیرد با قصد ولی بدون رضایت واقعی و علی‌رغم میل باطنی خود تحت تأثیر شرایط و مقتضیات موجود به قبول تعهد یا انجام عملی مبادرت می‌نماید .
پس از این مقدمه کوتاه لازم بنظر می‌رسد که نقش اضطرار در مسوئولیت مدنی در دو بحث ، نخست در قلمرو مسوئولیت قراردادی و سپس در زمینه مسوئولیت ناشی از جرم و شبه جرم مورد مطالعه قرار گیرد .

نقش اضطرار در مسوئولیت قراردادی

در حقوق ایران که اصل حاکمیت اراده در ایجاد تعهدات ، اسقاط و تغییر آنها پذیرفته شده است . رکن اساسی هر عقد را توافق دواراده (اراده طرفین) تشکیل می‌دهد . (۱)
قانونگذار ایران که در زمینه عقود و قراردادها از حقوق اسلام و حقوق اروپائی الهام گرفته ، اصل حاکمیت اراده را حاکم بر قراردادهای خصوصی افراد قرار داده و در ماده ۱۰ و ۷۵۴ قانون مدنی باین اصل اشاره نموده است . قانون مدنی به پیروی از فقه اسلام در اراده دو عنصر قصد و رضا را تشخیص و از هم تفکیک می‌نماید . وجود عناصر اول و وجود سلامت عنصر دوم توأماً " شرط صحت هر عقدی است . شرط سلامت عنصر دوم این است که اراده اعلام شده منطبق با میل و اراده باطنی باشد و برای این منظور لازم است که اراده آزادانه اعلام شود . بعبارت دیگر صاحب اراده باید دور از هرگونه تهدید و فشار در محیطی فارغ از هرگونه اکراه و اشتباه آزادانه نفع و ضرر خود را تشخیص داده و میل باطنی خود را با انعقاد قرارداد اعلام دارد . اراده‌ای که اعلام می‌شود چنانچه به جهتی از جهات منطبق با رضای باطنی نباشد رضای سالمی نیست و برحسب مورد بطلان یا عدم نفوذ معامله را بدنبال دارد .

ابطال یا عدم نفوذ در واقع نشان دهنده و ضمانت اجرای اهیتی است که قانونگذار برای آزادی اراده طرفین قرارداد قائل شده است .

معلولیت اراده یا بعبارت دیگر عیوب رضا در حقوق ایران منحصر به اشتباه و اکراه

(۱) - اصل حاکمیت اراده محدود به قلمرو عقود معین (با نام) نیست و به عقود غیر معین و ایقاعات زیر سرایت پیدا می‌کند .

است (ماده ۱۹۹ ق . م) در حقوق فرانسه عیب و تدلیس و غبن نیز مانند اشتباه و اکراه از جمله عیوب رضاست . ولی قانون مدنی به تبعیت از فقه .

اولاً " فقط از اشتباه و اکراه بعنوان عیوب رضای نام می برد و عیب و تدلیس و غبن را در عداد خیارات محسوب می کند .

ثانیاً " در موارد خیارات قانون مدنی بطور کلی عقد را قابل فسخ می دانند و می دانیم که عقد قابل فسخ عقد صحیح و نافذی می باشد . در نتیجه در موارد تدلیس و غبن و عیب رضای متضرر از نظر قانون مدنی ایران رضای سالم و معتدلی است (۱) مبنای اعمال حق فسخ نیز جبران ضرر متضرر است نه معلولیت رضای او و حال آنکه از نظر معلولیت رضا تفاوت چندانی بین اشتباه و تدلیس وجود ندارد .

باتوجه به مطالب فوق حال باید دید اضطرار از نظر علمی و حقوقی و نه از دید قانونی تا چه حد بر اراده مضطر تأثیر می گذارد و آزادی اراده وی را تا چه میزان محدود می کند ؟ چه فرقی است بین اکراه و اضطرار ؟ آیا می توان مانند بعضی از مؤلفین (۲) بطور اطلاق ادعا کرد که رضای مضطر رضای معاملی است و این مقدار از رضا حداقل رضائی است که وجود آن شرط نفوذ عقد است ؟ و بالاخره اثر حقوقی اضطرار چیست و تا چه حد در میزان مسوولیت مدنی قرارداد می مضطر تأثیر می گذارد . پاسخ به سئوالات مطروحه فوق موضوع گفتار نخست و گفتار دوم این مبحث است .

گفتار نخست - یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه

تعیین حدود مرز بین مفهوم اضطرار و اکراه بسیار مشکل است علت آنهم این است که در واقع تفاوت عمده ای بین اکراه و اضطرار وجود ندارد (۳) . جز اینکه در اکراه تهدید و فشار بطور مستقیم و توسط شخص طرف قرارداد یا شخص ثالث به مکره وارد می شود و هدف از آن وادار ساختن او بانجام معامله است در حالیکه در حالت اضطرار ، بدون اینکه معامل

(۱) مرحوم دکتر حسن امامی ، حقوق مدنی جلد اول صفحات ۱۷۸ و ۱۷۹

(۲) آقای دکتر جمعری لنگرودی ، ترمینولوژی حقوقی صفحه ۵۶ شماره ۴۲۴

(۳) آقای دکتر ناصر کاتوزیان ، تألیف یاد شده ، صفحه ۲۹۵ شماره ۲۸۳

از جانب کسی تهدید شود و یا تحت فشار قرار گیرد ، فشار و تهدید ناشی از اوضاع و احوال خارجی و یا مجموعه ای از پیش آمدهای خارج از قرارداد است و این فشار و تهدید است که او را وادار بقبول تعهداتی می نماید .

چنانچه ملاحظه می شود رضایت مضطر مانند مکروه بانجام معامله آزادانه اعلام نشده است ، رضای مضطر با توجه به تهدید و فشار ناشی از شرایط و اوضاع و احوال خارجی رضای معلولی است . حتی نویسندگانی که باعتبار معامله اضطراری معتقدند معلولیت رضای مضطر را صراحتاً " پذیرفته اند (۱) منتها اضافه کرده اند که در حقیقت هرکس در زندگی کم و بیش بر اثر اضطرار معاملاتی انجام می دهد و قبول بی اعتباری معامله مضطر به استحکام و استواری معاملات خلل وارد می آورد . اگرچه بموقع در قسمت اثر حقوقی اضطرار در مورد اینکه این نظریه تا چه حد می تواند قابل قبول باشد صحبت خواهیم کرد ولی در این جا یادآوری این نکته ضروری است که قبول معلولیت رضا و معتبر دانستن معامله اضطراری در تضاد آشکار با اصل رضائی بودن قراردادهاست . رضایا سالم است یا معلول و اگر معلول است باید آثار حقوقی معلولیت را بدنیاال داشته باشد . بصراف اینکه قانون مدنی معامله اضطراری را معتبر دانسته است نمی توان آنرا معتبر اعلام کرد . چه منطق حقوقی در حل مسائل حقوق ملزم به تبعیت از راه حل های قانونی نیست .

آنچه بعضی از نویسندگان تحت عنوان رضای معلولی یا حداقل رضای لازم عنوان کرده اند بنظر قابل قبول نمی رسد چه اضطرار بطوریکه خواهیم دید تنها رضا را معیوب می کند ، بلکه گاه آنچنان شدید است و در مضطر مؤثر واقع می شود که موجب زوال قصد نیز می گردد ، در این حال چطور می توان گفت که رضای مضطر حداقل رضای لازم است . بدیهی است هر متعهدی که ادعای اضطرار کند بصراف ادعا مضطر بودن او پذیرفته نمی شود ، تشخیص اینکه حداقل رضای لازم یا رضای معلولی در معامله ای که ادعای اضطرار در آن شده است ، وجود دارد یا خیر ؟ با قاضی است و اگر قاضی تشخیص داد که رضای معلولی موجود است و معامله معتبر است با این تشخیص در واقع اضطرار را در معنای حقوقی آن رد کرده است . گذشته از اینها حداقل رضای لازم یا رضای معلولی الزاماً " در مرز محدود رضای سالم است و چنانچه گفته شود که در معامله اضطراری رضای معلولی وجود دارد در واقع پذیرفته ایم

که رضا در معامله اضطراری رضای سالمی است و حال آنکه اکثریت قریب باتفاق مؤلفین حقوق معلولیت رضا را در معامله اضطراری صراحتاً " پذیرفته‌اند . واقعیت این است که در اضطرار تنها عامل تهدید و اجبار تغییر کرده است وگرنه چنانچه بحالت روانی و روحی مضطر در زمان انعقاد قرارداد توجه شود شرایط و اوضاع و احوال خارجی بنا بر فرض بنحوی است که رضای اعلام شده از طرف مضطر بارضای واقعی و باطنی وی منطبق نیست ، مضطر با اینکه قاصد است راضی نیست .

وقتی که در حقوق ایران اصل رضائی بودن عقود قراردادها پذیرفته شده است ، عامل معلولیت رضا چه تأثیری می‌تواند در صحت و اعتبار عقد داشته باشد . بعلاوه وقتی که تهدید و اجبار از ناحیه شخص ثالث نیز بعنوان اکراه هم در قانون و هم در دکترین پذیرفته شده است (۱) چه دلیل منطقی می‌توان برای رد معلولیت رضا ارائه داد ، وقتی که این معلولیت ناشی از اوضاع و احوال خارجی است (حالت اضطرار)

آقای دکتر جعفری لنگرودی در رساله دکتری خود تحت عنوان " تأثیر اراده در حقوق مدنی " در مورد رضای مکره می‌نویسد . " شخصی که از روی اکراه و آداب انجام عملی می‌شود واقعا " قصد نتیجه دارد یعنی قصد دارد که اثر حقوقی معینی را بوجود آورد ولی غرض او این است که تهدید اکراه کننده را رفع نماید . مکره با اینکه قصد دارد ، رضایت ندارد " . (۲) علیرغم این اظهار نظر صریح و مطلق در صفحات بعدی رساله مطلب قابل توجهی تحت عنوان " اجتماع اکراه و رضا " مورد بحث قرار گرفته و از آن این نتیجه گرفته شده است که " اکراه گاهی با رضا جمع می‌شود " . (۳) تنها دلیلی که برای اثبات " اجتماع اکراه و رضا " در رساله ارائه شده سؤال و جوابی است از مرحوم محقق قمی که عیناً " نقل شده است ، ولی بنظر می‌رسد نتیجه گرفته شده نتیجه‌ای نیست که از پاسخ مرحوم محقق قمی استنباط می‌شود زیرا .

اولاً " در پاسخ مرحوم محقق قمی صراحتاً آمده است که " ممکن است کسی با وجود

(۱) قانون مدنی ماده ۲۵۳ ، آقای دکتر کاتوزیان ، تألیف یاد شده ، شماره ۲۸۳ ، آقای دکتر صفائی ، تألیف یاد شده ، صفحه ۱۲۳ .

(۲) آقای دکتر جعفری لنگرودی ، تأثیر اراده در حقوق مدنی ، رساله دکتری ، چاپ دانشگاه صفحه ۴۴ شماره ۹۱

(۳) آقای دکتر جعفری لنگرودی ، رساله یاد شده شماره ۵۳۱ و ۵۳۳ صفحه ۱۹۶

اجبار (اکراه) هم، قصد طلاق کند مثل اینکه ظالمی او را اجبار کند بطلاق و این شخص راضی نیست بطلاق ولیکن از راه عار و ننگ که نمی‌خواهد دیگری با زن او جماع کند قصد طلاق واقعی می‌کند که از زوجیت او خارج شده باشد تا هرگاه دیگری او را بگیرد زن او را نگرفته باشد "

چنانچه ملاحظه می‌شود :

۱ - در پاسخ مرحوم محقق قمی همه‌جا صحبت از قصد است نه رضا، اکراه و قصد برخلاف اکراه و رضا مانعاً الجمع نیستند و می‌دانیم که قصد و رضا در فقه و در حقوق بوضوح از یکدیگر تفکیک شده و حتی در رساله مذکور بحق بارها تأکید بر این امر شده که " قصد و رضا دو موجود نفسانی جداگانه ای هستند " (۱).

۲ - بغرض که در پاسخ مذکور در جمله " قصد طلاق واقعی " در کلمه قصد، رضا را نیز مستتر بدانیم با توجه به ادعای جدید (فرار از ننگ و عار) رضای به طلاق واقعی رضایت واقعی است چه اگر رضا واقعی و منطبق با میل باطنی نباشد طلاق واقع نمی‌شود و زن از زوجیت خارج نخواهد شد تا " فرار از ننگ و عار " حاصل شود. پس رضا، رضای واقعی است و با وجود رضای واقعی اکراه وجود ندارد تا رضا با آن جمع شود.

ثانیا " در تالیفات حقوق مدنی از استادان ایرانی و فرانسوی‌نه تنها هیچ اشاره‌ای به امکان جمع بین رضا و اکراه نشده است بلکه عکس قضیه بدفعات مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

ثالثا " اکراه بر حسب تعریف و بنا بنظر ایشان حالتی است که " مکره با اینکه قصد دارد رضایت ندارد " (۲) بنا بر این چطور ممکن است گاه اکراه بارضا جمع شود و اگر بغرض چنین حالتی پیش آید در اینصورت اکراه بر حسب تعریف در معنای حقوقی خود وجود ندارد چه وجود هر یک در واقع موجب زوال دیگری است.

در مورد رضای مضطر اگر چه ایشان در رساله مذکور اشاره‌ای بآن نکرده‌اند ولی می‌توان با مقایسه با آنچه در مورد مکره آمده است گفت که مضطر نیز مانند مکره قصد معامله دارد ولی غرض او این است که تهدید و فشار ناشی از شرایط بحرانی را دفع و خود را از

(۱) رساله، یاد شده صفحه ۴۴ شماره ۹۱.

(۲) آقای دکتر جعفری لنگرودی، رساله یاد شده، شماره ۹۱ صفحه ۴۴.

آن موقعیت خاص نجات دهد. در نتیجه با وجود داشتن قصد معامله راضی بانجام آن نیست و با حداقل رضای او معلول و معیوب است. در این خصوص اکثریت قریب باتفاق استادان حقوق حتی کسانی که معامله اضطراری را به تبعیت از ماده ۲۰۶ قانون مدنی معتبر می‌دانند اتفاق نظر دارند- یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه تا آنجا مورد قبول واقع شد است که اغلب استادان فرانسوی و صاحبان تألیف در تعهدات و مسوولیت مدنی، اضطرار را یکی از حالات مختلف اکراه تلقی نموده و تحت عنوان اکراه ناشی از مقتضیات خارجی (۱) *Violence résultant des circonstances extérieures* و یا *Violence résultant des événements* (۲) اکراه ناشی از حوادث مورد بررسی قرار داده اند.

در بین استادان ایرانی نیز آقای دکتر کاتوزیان با اعتقاد به یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه می‌نویسند: "هیچ تفاوت ندارد که وسیله تهدید اعمالی باشد که شخص اکراه‌کننده بوجود آورده است، با اوضاع و احوالی که حوادث خارجی آنها را ایجاد کرده است". (۳) قبول یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه این نتیجه منطقی را بدنبال دارد که برای تحقق اضطرار مانند اکراه جمع شرایطی ضروری است از جمله اینکه تهدید ناشی از حوادث خارجی باید بنحوی باشد که عادتاً "برای مضطر قابل تحمل نباشد بعلاوه تهدید غیر قابل اجتناب بوده و فشار ناشی از آن در اراده مضطر با توجه به خصوصیات فردی اش (اطلاعات و معلومات، تجربه، پیری و جوانی) مؤثر باشد.

گفتار دوم - اثر حقوقی اضطرار

در این گفتار اثر حقوقی اضطرار بدواً در عقاید علماء و سپس در قوانین و رویه قضائی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- (۱) "الکس ویل" و "فرانسوا تره"، حقوق مدنی، تعهدات، پرسی دالوز، چاپ سال ۱۹۷۵، صفحه ۱۲۳، شماره ۱۹۴.
- (۲) "کاربنیه"، حقوق مدنی، جلد چهارم، تعهدات، صفحه ۸۳ شماره ۲۳.
- (۳) آقای دکتر کاتوزیان، حقوق مدنی، جلد دوم، صفحه ۲۹۵ شماره ۲۸۳.

۱- عقاید علماء حقوق فرانسه

الف - عقاید علماء قدیم - حقوق رم ابطال قرارداد منعقد در حالت اضطرار را نپذیرفته است. علت آنهم کاملاً " منطقی و واضح است چه اگر (تهدید) در حقوق رم در اصل از نظر جزائی جرم بوده است. METUS CAUSA و چون این جرم شامل یک عنصر عمدی بوده و عامل ارتکاب آن انسان است لذا وقتی که تهدید از عمل شخص مرتکب ناشی نمی‌شد (اضطرار) جرمی وجود نداشت تا مجازاتی اعم از جزائی یا مدنی وجود داشته باشد.

علماء قدیمی حقوق تحت تأثیر حقوق رم به اجبار ناشی از حوادث و اوضاع و احوال خارجی توجیهی نداشته و آنرا کلاً " رد می‌کنند. در نتیجه تعهدات و معاملات انجام شده تحت تأثیر اجبار و ارعاب و تهدید وقتی بلا اثر است که اجبار، ترس یا تهدید از ناحیه کسی انجام شود که هدف او از این اعمال بدست آوردن تعهدات دلخواه است. با وجود این " پوتیه " و سایر مؤلفین قدیمی حقوق پذیرفته اند که تعهدات ناشی از حالت اضطرار (Etat de nécessité) در صورتیکه غیر متعادل و نامتناسب با خدمت انجام شده باشد بواسطه اینکه علت تعهد (La cause) جزا " وجود ندارد تعهدات مذکور کاهش خواهد یافت. در موارد خاصی که علت تعهدات کلاً " مفقود است و یا حالت اضطرار بگونه‌ای بود ماست که مضطر را در حالت دیوانگی یا حالتی شبهه‌مان قراردادهاست، ابطال قرارداد را امکان پذیر دانسته اند. البته قبول ابطال مانع از آن نبوده است که طرف قرارداد مضطر در ازاء خدمات و کارهای انجام شده عوض عادلانه‌ای بر اساس تئوری " دارا شدن بدون علت " یا " اداره اموال غیر " دریافت نماید (۱).

ب - عقاید علماء جدید. بر اساس عقیده دیگری که مؤلفین جدید حقوق مدنی از آن پیروی می‌کنند، حالت روانی و روحی مضطر در زمان انعقاد قرارداد مورد توجه واقع شده و بویژه باین امر توجه خاص می‌شود که آیا مضطر در زمان انعقاد عقد آزادی اراده و تصمیم را بطور کامل دارا بوده است یا خیر؟ بدیهی است که اگر اراده وی آزاد و منطبق

(۱) " الکس ویل " تألیف یاد شده، صفحه ۲۱۴ و رفرانسه‌های داده شده بویژه

DEMOLOMBE, T. XXIV, N° 150; LAURENT, T. XV N° 519; BAUDRY-LANCANTINERIE et BARDE, T. I, N° 77

با میل باطنی او نبوده است، قرارداد منعقدۀ فاقد هرگونه اثر حقوقی است بدون اینکه وسیله تهدید و یا عامل آن مورد توجه قرار گیرد. در توجیه این نظریه دلاغلی از نظر اجتماعی و حقوقی وجود دارد.

— از نظر اجتماعی بسیار زیان بخش خواهد بود که معاملات اضطراری غیر عادلانه و غیر منصفانه‌ای که در آنها متعهد آزادی تصمیم خود را جزا "یا کلا" از دست داده است معتبر بشناسیم، بویژه که در اکثر موارد طرف قرارداد دهبه موقعیت و شرایط بحرانی مضطرب آگاهی کامل دارد و برخلاف اصول انسانی و اخلاقی از این موقعیت سوء استفاده و یا حداقل بهره‌برداری می‌کند.

— در صورت قبول اعتبار معامله اضطراری با توجه به یگانگی مفهوم اضطرار و اکراه بین اشتباه و اکراه اختلافی بوجود خواهد آمد که غیر اصولی و غیر قابل توجیه است بدین نحو که در اشتباه که یکی دیگر از موارد عیوب رضاست اعم از اینکه متعهد خود را "سا" اشتباه کرده باشد یا متعده او را با اشتباه انداخته باشد بر حسب مورد بطلان یا فسخ معامله را بدنیال دارد و حال آنکه در اکراه تهدید اگر توسط طرف قرارداد یا شخص ثالث انجام شود مؤثر در اعتبار قرارداد است ولی اگر "سا" و بدون مداخله انسان بوجود آید (اضطرار) به اعتبار معامله خللی وارد نمی‌آورد.

— وقتی تهدید و اجبار از ناحیه شخص ثالث بعنوان اکراه پذیرفته شده است (۱) چرا وقتی همین تهدید و اجبار ناشی از وقایع خارجی است (حالت اضطرار) آنرا نپذیریم.

۲ — عقاید علماء حقوق ایران

در حقوق ایران اغلب استادان که تبعیت از علماء قدیمی و قانون مدنی، معامله اضطراری را بطور اطلاق و گاه بدون ارائه دلیل بشرح مشروح زیر معتبر دانسته‌اند، ضمن اینکه در عین حال معلولیت رضا را در این مورد نیز پذیرفته‌اند.

— "اضطرار موجب عدم صحت معامله نمی‌شود." (۲)

— "معامله‌ای که در نتیجه اضطرار واقع می‌شود بشرحی که ماده ۲۰۶ مقرر می‌دارد

معتبر است." (۳)

(۱) رجوع شود به ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی فرانسه و ماده ۲۰۳ قانون مدنی ایران.

(۲) مرحوم محمد پروجردی عده، حقوق مدنی، صفحه ۱۱۷.

(۳) مرحوم مصطفی عدل (منصور السلطنه)، حقوق مدنی، صفحه ۱۲۴ شماره ۲۳۹.

" اضطرار موجب عدم نفوذ معامله نمی‌شود " . (۱)
 - " عقد نجات از مصادیق عقود اضطراری و معتبر است " . (۲)
 - " در حالت اضطرار می‌توان قصد فعل و قصد نتیجه کرد و متعهد شد " . (۳)
 - حالت اضطرار مؤثر در نفوذ معامله نیست . (۴)
 مرحوم مصطفی عدل علت اعتبار معامله اضطراری را ضمن تعریف اضطرار بشرح زیر توجیه نموده‌اند .

" اضطرار وقتی است که داعیه عقد مخصوصا " برای واقع ساختن آن ایجاد نشده . بلکه در نتیجه حادثه اتفاقی موجود شده باشد " .

پس از این تعریف با ارائه دو مثال (شخصی که در اثر احتیاج شدید بیول قالیچه خود را به قیمت نازلی می‌فروشد و مسافرین یک کشتی در حال خطر که تعهد پرداخت مبلغ هنگفتی را می‌نمایند) می‌نویسند :

" در دو مثال مذکور فوق‌آوری که علت غائی و موجب وقوع معامله شده است . یعنی نداری و احتیاج مبرم صاحب قالیچه بیول نقد و مواجه شدن مسافرین با خطر مرگ ، نه از ناحیه کسی که طرف معامله بوده است ناشی شده ، و نه برای اجبار شخص بواقع ساختن معامله بعمل آمده است بلکه در نتیجه حادثه اتفاقی است که بهیچوجه مربوط بواقع ساختن معامله نمی‌باشد . "

پاسخ داده می‌شود که .

اولا " علت عدم نفوذ معامله مکره ، مورد تهدید واقع شدن او از ناحیه شخص طرف معامله یا شخص ثالث نبوده است تا بتوان بعلت فقدان تهدید از ناحیه انسان معامله اضطراری را معتبر دانست علت عدم نفوذ معامله مکره این است که رضای او معیوب بوده است . نماینگه چون طرف قرارداد یا شخص ثالث او را تهدید کرده است . عامل تهدید یا وسیله تهدید در جایی که صحبت از رضای باطنی است چه تاء ثیری می‌تواند داشته باشد . باید صرفا "

(۱) دکتر سیدحسن امامی ، تاء لیف یادشده ، صفحه ۱۹۶ .

(۲) آقای دکتر عبدالمجید قائم مقامی ، تعهدات ، صفحه ۲۸۶ .

(۳) آقای دکتر جعفری لنگرودی ، تعهدات ، صفحه ۹۶ شماره ۱۳۶ .

(۴) آقای دکتر حسین صفائی ، تعهدات و قراردادها ، صفحه ۱۲۸ .

باین امر دقت شود که حاصل این تهدید چه بود است؟ آیا موجب زوال قصد شده یا رضا را معیوب کرده و یا اینکه موثر واقع نشده و رضا سالم است. در فرض نخست ابطال و در حالت دوم عدم نفوذ و در سومین فرض صحت معامله نتیجه می‌شود. این نتایج بهمان اندازه که ممکن است از اکراه حاصل شود، ممکن است از اضطرار نیز حاصل شود.

ثانیا " - این مسأله که علت عدم نفوذ معامله مکره معلولیت رضای اوست نه شخص تهدید کننده در چند سطر جلوتر مورد تأکید مؤلف قرار گرفته و می‌نویسند: " قطع نظر از شخص تهدید کننده، خود تهدید رضای مکره را معلول نموده و موجب عدم نفوذ معامله می‌شود. " (۱)

ثالثا " - استدلال فوق فقط در حالتی صحیح است که روی عامل انسانی تکیه نموده و بگوئیم عدم نفوذ معامله مکره در واقع مجازات اعمال تهدید کننده طرف قرارداد است که در اینصورت اگر تهدیدار ناحیه شخص ثالث انجام شود و شخص اخیر بدون اطلاع طرف قرارداد، مکره را تهدید کرده باشد معامله مکره صحیح خواهد بود، زیرا دلیلی ندارد که طرف قرارداد مکره را، برای اعمال شخص ثالث مجازات کرد ولی این نتیجه برخلاف مطلبی است که قانون مدنی و مؤلف بشرح زیر اعلام کرده اند.

" بموجب ماده ۲۰۳ اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود. این قاعده کاملا " موافق منطق است زیرا قطع نظر از شخص تهدید کننده، خود تهدید رضای مکره را معلول نموده و موجب عدم نفوذ می‌شود، ولو اینکه تهدید کننده شخص خارجی باشد، و اگر شرط می‌شد که تهدید وقتی موثر در عقد می‌باشد که از شخص طرف معامله ناشی شده باشد وضعیت غیر قابل تحمیلی ایجاد می‌شد " . . . (۱)

یکی دیگر از اسانید حقوق در توضیح علت اعتبار معامله اضطراری می‌نویسند: اگر " شخصی که خطر غرق در دریا تهدیدش می‌کند تعهد پرداخت مبلغی برای کسی که حاضر به نجات دادن او شد ماست بنماید. این که حالت اضطرار نام دارد موثر در نفوذ معامله نیست، با این که در اراده طرف معامله تا " نیر می‌گذارد و رضا را در حقیقت معلول می‌کند، چرا که قانونگذار، از لحاظ استحکام و استواری معاملات، بهاموری که خارج از قلمرو قرارداد و تراخی طرفین است ترتیب اثر نمی‌دهد. البته اگر طرف دیگر از حالت اضطرار معامله کننده

بهره‌برداری و سوءاستفاده کرده‌باشد در صورت وجود غبن فاحش، مغبون می‌تواند معامله را فسخ نماید". (۱)

به نظریه فوق ایراداتی بشرح زیر وارد است:

اولاً - در صورت قبول معلولیت رضا نمی‌توان به‌بهانه استحکام و استواری معاملات، معیوب بودن رضا را ندیده گرفت و قرارداد ناشی از رضای معلول را نافذ دانست چه در اینصورت همین استدلال را می‌توان در مورد سایر عیوب رضا نمود و معاملات ناشی از اشتباه، اگرچه معتبر دانست زیرا برای ابطال با عدم نفوذ معاملات مذکور وجهی جز معلولیت رضا وجود ندارد.

ثانیاً " درست است که " قانونگذار، از لحاظ استحکام و استواری معاملات، به‌اموری که خارج از قلمرو قرارداد و تراضی طرفین است ترتیب اثر نمی‌دهد " ولی اگر اموری که خارج از قلمرو قرارداد است (حوادث خارجی) در تراضی طرفین تأثیر گذارد بنحوی که رضای یکی از طرفین معلول شود آیا باز هم این امر در قلمرو تراضی طرفین نیست و باید استحکام و استواری معاملات را به‌بانه‌گرد؟ به عبارت دیگر بنا بر آنچه اعلام شده است قانونگذار به‌اموری که خارج از تراضی طرفین باشد ترتیب اثر نمی‌دهد. حالت اضطرار بنا بر فرض مضطربا در شرایطی قرارداد شده است که رضای اعلام شده‌وی گویای قصد و میل باطنی او نیست و بدین طریق واقعه ای خارجی لااقل بطور غیر مستقیم وارد محدوده تراضی طرفین می‌شود در آن تأثیر می‌گذارد.

ثالثاً " غبن بعنوان راه حل نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. زیرا غبن دارای شرایط قانونی است و با آنچه ایشان بشرح زیر در مبحث غبن می‌نویسند در تضاد است از جمله اینکه مغبون " باید هنگام انعقاد قرارداد علم به قیمت عادلانه نداشته باشد بنا بر این اگر کسی با علم به قیمت و بر اثر اضطرار یا شتاب در معامله مالی را که ده هزار ریال قیمت دارد، به پنجاه هزار ریال بخرد خیال فسخ نخواهد داشت چه با اختیار خود اقدام به ضرر خویش نموده است و از اینرو قانونگذار از وی حمایت نمی‌کند". (۱)

چنانچه ملاحظه می‌شود اگر کسی با علم به قیمت عادلانه و بر اثر اضطرار معامله کرد نمی‌تواند ادعای غبن کند. صرف نظر از این تضاد که به تنهایی برای رد غبن بعنوان

(۱) آقای دکتر حسین صفائی، تعهدات و قراردادها، صفحه ۱۲۸ و صفحه ۳۱۶.

راه حل کفایت می‌کند، می‌توان اضافه کرد که خیابارغبین .
اولاً " فوری است .

ثانیاً " خیابارغبین فاحش و افحش‌قابل اسقاط است و چنانچه مضطر در حالت اضطرار خیابارغبین فاحش و افحش خود را ساقط کند ادعای خیابارغبین موردی نخواهد داشت .
ثالثاً " - اعلام اینکه " در حقیقت هرکس در زندگی کم و بیش بر اثر اضطرار معاملات انجام می‌دهد نمی‌تواند دلیلی برای اعتبار معامله اضطراری باشد زیرا هر ادعای اضطرار، اضطرار تلقی نمی‌شود باید شرایط و اوضاع و احوال خارجی بنحوی باشد که رضای مضطر را معیوب کرده باشد . تشخیص این امر با توجه به جزئیات امر در هر مورد بخصوص، با قاضی است . بدین طریق اضطرار ادعائی چنانچه به تشخیص قاضی موجب معلولیت رضا نشود معامله معتبر خواهد بود . در اینصورت مفهوم اضطرار هم از نظر حقوقی مصداق پیدا نکرده است و خللی هم به استحکام و استواری معاملات وارد نشده است .

رابعاً " - نظریه فوق بلحاظ اینکه مخالف نظریه دکتربین جدید است در نتیجه دلائل اجتماعی و حقوقی مندرج در بند ب بعنوان سه ایراد مهم نیز بآن وارد است .
در خاتمه یادآور می‌شود که در مثال فوق چنانچه شخص مورد نظر که خطر غرق در دریا را تهدید می‌کند بر یک وسیله نقلیه دریائی سوار باشد (از هر نوع ولو قایق کوچک) قرارداد بسته شده ، با ستند ماده ۱۷۹ قانون دریائی که ذیلاً " بآن اشاره خواهد شد معتبر نبوده و تعهدات ناشی از آن قابل ابطال یا تغییر است .

در بین استادان حقوق و صاحبان تالیف در حقوق مدنی همانطوری که اشاره شد تنها آقای دکتر کاتوزیان از دکتربین جدید پیروی نموده صراحتاً " می‌نویسند که تنها فرق اضطرار و اکراه این است که در اکراه تهدید بوسیله شخص و بمنظور وادار ساختن مکره بقبول تعهد انجام می‌شود و در اضطرار تهدید ناشی از اوضاع و احوالی است که حوادث خارجی آنرا ایجاد کرده است . (۱)

چنانچه ملاحظه شد اکثریت قریب باتفاق مؤلفین حقوق مدنی در ایران ، اعتبار معامله اضطراری را بدون ارائه دلیل و بصره اینکه قانون مدنی صراحتاً " آنرا معتبر اعلام کرده است ، پذیرفته‌اند . اگر بعضی از مؤلفین هم سعی در توجیه این قاعده کرده‌اند دیدیم که توجیه آنان به نتایج غیراصولی و غیرمنطقی منتهی می‌شود .

۲- اثر حقوقی اضطرار در قوانین ایران

قانون مدنی در لابلای مواد مربوط به اکراه با تأکید بر این امر که اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام بعمله کند مکره محسوب نمی‌شود، معامله اضطراری را معتبر اعلام کرده است (ماده ۲۵۶ ق. م.) . بنا بر این در قلمرو مسوئولیت مدنی ناشی از قراردادها با صراحت ماده ۲۵۶، مضطرب هیچگونه شانس برای تخفیف یا ابطال تعهدات ناشی از معامله اضطراری ندارد. هر چند که وجود قصد و سلامت رضاتو اما " شرط صحت عقد است و در حالت اضطرار بنا بر فرض رضای مضطرب معیوب است با وجود این مضطرب به اجرای کلیه تعهدات خود می‌باشد ولو اینکه هیچگونه تعادل و تناسبی هم بین عوض و معوض وجود نداشته باشد. اگر چه علی‌الاصول قواعد کلی مربوط به اعتبار معاملات در قانون مدنی حاکم بر کلیه قراردادهاست و اگر فی‌المثل معامله اضطراری معتبر است این قاعده صرفنظر از موضوع قرارداد همیشه باید جاری باشد مع الوصف قرارداد کمک و نجات در دریا بشرحی که ماده ۱۷۹ قانون دریایی مقرر می‌دارد از این قاعده مستثنی است.

" هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد ممکن است به تقاضای هریک از طرفین بوسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود. در کلیه موارد اگر ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حیله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد به نسبت خدمت انجام یافته فوق‌العاده زیاد یا کم است دادگاه می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر داده یا بطلان آن را اعلام نماید".

منظور از قرارداد منعقد شده در حین خطر و تحت تأثیر آن چیزی جز معامله اضطراری نیست. حال معلوم نیست به چه علتی باید معامله اضطراری در خشکی معتبر و در دریا فاقد اعتبار باشد و با لاقول تغییر و تعدیل تعهدات آن امکان پذیر باشد.

شاید بتوان علت این تضاد را در این امر جستجو کرد که سرنوشت قوانین در کشور ما تاکنون بدین نحو بوده است که قواعد حقوقی یکبار برای همیشه نوشته شده، به تصویب رسیده و بصورت قانون درمی‌آیند. اصلاح و تطبیق این قوانین با دکتربین جدید و نیازهای روز تنها در صورتی تحقق می‌یابد که اجرای آن قواعد حقوقی، افتضاحات و تضادهای آشکار و بسیار مهمی را بدنبال داشته باشند و گرنه چنانچه اجرای آنها حتی را از زید و امر، اینجا

و آنجا ضایع کند ، غیر عادلانه بودن آنها هرگز موجب اصلاح مواد و تطبیق آن با حوائج اجتماع و دگرترین جدید نشده است . عوامل دیگری را نیز می توان باین علت اضافه کرد که عدم انتشار منظم آراء محاکم و فقدان هرگونه انتقاد علمی از محدود آراء منتشره از آن جمله اند . بدین طریق است که قوانین رفته رفته نقش تنظیم کننده روابط اجتماعی را از دست می دهند . حال در چنین جوی اگر ایجاد قانونی در زمینه خاص (حمل و نقل دریائی) فوریت و ضرورت داشته باشد فوراً " یک یا چند ماده از قوانین یکی از کشورهای اروپائی را ، که اکثراً " منطبق با آخرین تحولات و دگرترین زمان تصویب است ترجمه می کنند و بصورت قانون درمی آورند . نتیجه چیست ؟ اینک موادی که براساس دگرترین کلاسیک حاکم بر زمان تصویب قانون مدنی ایجاد شده است (مثل ماده ۲۵۶ ق . م) طبعاً " با مواد قانونی که در سالهای اخیر برپایه دگرترین جدید و نیاز روز وجود آمده و مافقط آنرا ترجمه کرده ایم (مثل ماده ۱۷۹ قانون دریائی) در تضاد آشکار است .

بنظر می رسد که اگر امکان ابطال یا تغییر و تعدیل تعهدات ناشی از مامله اضطراری منحصر به قرارداد نجات و کمک در دریا نشده و بکلیه تعهدات تعمیم داده شود مشکلات و تضادهای موجود نیز مرتفع خواهند شد .

۳- رویه قضائی در تعهدات ناشی از اضطرار

برای شناخت روش و رویه دادگاهها در برابرمفهوم اضطرار بعلت فقدان پاندرت و یا عدم دسترسی بآراء صادره از دادگاههای ایران اجهارا " از رویه قضائی دادگاههای فرانسه استفاده می شود . اولین و مهمترین اظهار نظر قضات فرانسوی در مورد مسأله اضطرار و تعهدات ناشی از آن راء ای اصولی ۲۷ آوریل ۱۸۸۷ دیوان عالی کشور فرانسه است (۱) که موضوع دعوی و خلاصه راء ای بشرح زیر است .

موضوع دعوی : در این دعوی یک کشتی که در خطر غرق بود ماست از کشتی دیگری

(۱) رجوع شود براء ای ۲۷ آوریل ۱۸۸۷ دیوان عالی فرانسه ، دالوز پر بودیک ، ۱۸۸۷ ، قسمت یکم ، صفحه ۲۶۳ ، مجموعه " سری " سال ۱۸۸۷ قسمت یکم ، صفحه ۳۷۲

استمداد می‌نماید. ناخدای کشتی نجات‌دهنده از موقعیت بحرانی و ناامیدکننده کشتی در حال خطر بهره‌برداری نموده و با تحمیل قراردادی در ازاء مبلغ هیجده هزار فرانک حاضر به نجات آن می‌شود. تلاش ناخدای کشتی در حال خطر برای کاهش این مبلغ گران بجائی نمی‌رسد و قرارداد منعقد می‌شود ولی شخص اخیر بمحض رسیدن به مقصد با ادعای اضطراب تقاضای ابطال قرارداد منعقد را می‌نماید که این ادعا بوسیله دادگاه بدوی و دیوانعالی کشور پذیرفته می‌شود و برای خدمات انجام شده توسط کشتی نجات‌دهنده مبلغ چهار هزار فرانک دستمزد یا غرامت تعیین می‌گردد. در رأی صادره علت ابطال قرارداد بدین نحو توجیه شده است.

"وقتی رضایت آزادانه نبوده و تحت تأثیر حالت ترس ناشی از یک خطر قابل ملاحظه و حال (حاضر) داده شده است قرارداد حاصل از آن متصف با ایرادی است که آنرا قابل ابطال می‌نماید".

خارج از قلمرو قرارداد نجات و کمک در دریا نیز دیوانعالی کشور فرانسه همین رویه را حفظ کرده است. که در اینجا به دورائی صادره در این خصوص ذیلاً " اشاره می‌شود. در این دعوی پکنفر بیهودی مطب دندانپزشکی خود در زمانی که فرانسه تحت اشغال آلمانها بوده است می‌فروشد بعد از جنگ مدعی می‌شود که بواسطه توصیه کمیسر پلیس مبنی بر ترک هرچه زودتر منطقه و اخطار شخص ناشناسی دایر بر تصرف آن، در حالت اضطراب بوده است. دادگاه استان این ادعا را بواسطه اینکه اکراه در این شرایط مستلزم عمل انسان است رد می‌کند. دیوانعالی کشور رأی دادگاه را نقض ولی بطور صریح در این مورد اظهار نظر نمی‌کند. (۱)

در مورد دیگری کارگری که بواسطه بیماری فرزندش نیاز شدید به پول داشته قرارداد کاری با کارفرما منعقد می‌کند که بطور واضح و آشکار غیرمنصفانه و غیرعادلانه بوده است. دادگاه استان قرارداد مذکور را بواسطه اکراه معنوی (اضطرار) باطل اعلام می‌کند، کارفرما از این رأی فرجام می‌خواهد و دیوانعالی کشور تقاضای فرجام او را رد نموده نظر دادگاه استان را عیناً "تأیید می‌کند. (۲)

(1). Civ.26 Juillet 1949.GAZ.PAL 1949.2.263.

(2) Civ.Sect.Soc,5 Juillet 1965, Bull.Civ, IV-M^o 545.

با وجود این در غیر مورد قرارداد نجات و کمک در دریا، آراء محاکم فرانسه بویژه در سطح دادگاههای شهرستان و گاه استان مشتت و متغیر است و گاه در پیروی از رویه دیوانعالی کشور تردید نشان می دهند مثلاً " دادگاه شهرستان پاریس در موردی که یک جراح دستمزد زیاده از حدی برای یک عمل جراحی فوری خواسته است ادعای اضطرار را نپذیرفته است (۱) و با دادگاه استان "لیون" در مورد دیگری ابطال فروش اراضی مزروعی را بواسطه اضطرار نپذیرفته است در حالیکه فروشنده سالخورده آن مدعی بوده است که باین معامله از این جهت رضایت داده است که شدیداً " از این امر که بستگانش در اثر خودداری از انجام معامله، او را تنها خواهند گذاشت، ترس داشته است. (۲)

علاوه بر موارد مذکور فوق یک سری رآیی نیز در مورد کسانی که در زمان جنگ در معرض خطر ضبط و مصادره اموال بوده اند از محاکم فرانسه صادر شده است که این آراء " کلاً بر اساس مفهوم محدود توری از اضطرار استوارند .

چرمان امر بدین نحو بود است که در زمان جنگ یهودیان و بومیان منطقه "آلزاس" و " لورن " مجبور بودند که اموال خود را به قیمت های نازل فروخته و هر چه زودتر از منطقه دور شوند . بعد از جنگ تصویب نامهای بنفع اینگونه اشخاص از تصویب گذشت که طبق آن در معاملات انجام شده مکره بودن آنان فرض شده بود ، مگر اینکه قیمت پرداخت شده قیمت عادلانه و واقعی مال فروخته شده بوده باشد . کسانی که نمی توانستند معاملات خود را با استفاده از این تصویب نامه باطل نمایند (قیمت عادلانه بوده) مدعی اضطرار می شدند . در این صورت می بایست دلیل ارائه دهند . آراء زیادی از محاکم فرانسه در این مورد بخصوص صادر شده است که بعضی اضطرار را پذیرفته و بعضی دیگر رد کرده اند . (۳)

(1) Trib.civ.Seine, 23 fevrier 1907. gaz Trib 24 fevrier 1907, rev. crit. leg et juri 1907 obs ripert

(2) Lyon, 30 jan 1964. gaz.pal 1964. 1.420

(۳) نمونه آرائی که حالت اضطرار را پذیرفته اند عبارتند از :
Trib.civ Strasbourg 19 fev 1946. gaz.pal 1947.1.90; Trib
Cant, Cernay 12 dec 1946. gaz.pal 1947.1.90

نمونه آرائی که اضطرار را رد کرده اند عبارتند از :
Colmar. 12 juil 1946, s.1946.2.124; trib.civ. Saumur, 5
juin 1947. gaz.pal 1947.2.59; Trib.civ.Seine, 7 mai 1954,
gaz. pal 1954. 2. 206

دیوانعالی کشور فرانسه هم در این مورد بویزه در برابر این ادعای یهودیان که می‌گفتند اصولاً "مقررات زمان جنگ تمام آنها را در حالت اضطرار قرار می‌داده است، اعلام داشتند که اصولاً "نمی‌توان منحصرأ" از مقررات کلی و عامی که شامل تمام افراد یک گروه خاص اجتماعی می‌شود (مثل یهودیان) اکراه را نتیجه گرفت (۱) این مقررات کلی وقتی می‌تواند اکراه تلقی شوند که در مورد ذینفع شخصاً "اجرا می‌شده است (۲).

مبحث دوم . نقش اضطرار در سوءولیت ناشی از جرم و شبه جرم

مبحث نخست موقعیت اضطراری به انعقاد قرارداد یا قبول تعهد خاصی از ناحیه مضطر منتهی گردید و بحث بر سر این مطلب بود که قرارداد مذکور و با تعهدات پذیرفته شده در حالت اضطرار تا چه حد معتبر است .

در مبحث دوم فرض بر این است که مضطر در شرایط و موقعیت اضطراری برای جلوگیری از وقوع خسارت بزرگتری به خود یا دیگری، اعمال و رفتاری مرتکب می‌شود که خود موجب خسارت است .

موضوع بحث ما در این جا در واقع یافتن پاسخی است حقوقی و منطقی به سئوالات

مشروحه زیر :

مضطر با توجه به حالت اضطرار در ایجاد خسارت مقصر است یا خیر ؟ آیا در صورت نخست سوءولیت دارد و اگر مسؤول است زیان متضرر بر اساس کدام اصل حقوقی و توسط چه کسی جبران می‌شود ؟

پاسخ به سئوالات فوق مستلزم این است که بدواً "در گفتار نخست مفهوم اضطرار در این زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و احیاناً "با مفاهیم مشابه خود مختصراً" مقایسه شود .

(۱) رأی دیوانعالی کشور مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۱ مندرج در بولتن دعاوی مدنی ۱۹۵۱ قسمت اول شماره ۲۲۲ شرح زیر .

Civ. 31 oct 1951, Bull. civ. 1951.1.222; 5 fev 1951, Bull. civ. 1951.1.39

(۲) رأی دیوانعالی کشور شرح زیر .

Civ. 18 fev 1952. Bull. civ 1952.1.55; 15 juil 1953, Bull. civ. 1953.1.206

فتار نخست - اضطرار و مفاهیم مشابه

در قلمرو مسوئولیت مدنی نیز مانند مسوئولیت جزائی، اعمال و رفتار عمدی و غیر عمدی که موجب زیان و خسارت بدیگری شده‌اند بر حسب مورد تحت عنوان جرم یا شبه جرم مسوئولیت مدنی مقصر را بدنبال خواهند داشت. گاه همین اعمال و رفتار مجرمانه در شرایط و اوضاع و احوالی بوقوع می‌پیوندد که با توجه بآن شرایط نمی‌توان عرفاً مرتکب را مقصر دانست. بهمین مناسبت شرایط و اوضاع و احوالی که موجب زوال تقصیر مرتکب می‌شوند در حقوق مدنی و جزا تحت عنوان علل و جهات رافع تقصیر مورد مطالعه قرار می‌گیرند که دفاع مشروع، حالت اضطرار، اجبار، فوریت، دستور مافوق، تقصیر زیان دیده... (از آنجمله‌اند. در حقوق اسلام نیز اگر اکراه بحدی باشد که از مکره سلب قدرت کند و او را بصورت آلتی برای وقوع عمل در آورد برابر قاعده "قیح تکلیف بما لا یطاق" مسوئولیتی متوجه مکره نیست و اگر اکراه باین درجه نباشد و صرفاً "در ترک آن فعل خوف و ضرری باشد در اینصورت هم مسوئولیتی متوجه مکره نیست و دلیل رفع مسوئولیت هم آنطوری که مرحوم بیروجردی عبده می‌نویسد (۱) "اولاً" قاعده الضرورات تبیح المحظورات "است که از مستقلات عقلیه بشمار می‌آید. ثانیاً آیات قرآنی از جمله: "مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِإِيمَانٍ" (۲) و دیگری... "مَنْ يُكْرِهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ عَفْوٌ رَحِيمٌ" (۳). ثالثاً حدیث نبوی است که می‌فرمایند: "رفع علی امتی تسعه" که از جمله فقرات آن این است: "ما استکرهوا علیه".

از این قاعده فقط قتل نفس محترم مستثنی شده است. در مورد قتل نفس فقها بالاتفاق اکراه و اجبار را مؤثر نمی‌دانند که البته شیخ طوسی جرح را نیز ملحق بقتل کرده است. بنظر می‌رسد آنچه در حقوق اسلام در جهت رفع مسوئولیت مکره مقرر شده است، بلحاظ یگانگی شرایط و اوضاع و احوال و بخصوص وضع روحی مشابه مضطر و مکره در لحظه انجام عمل، در مورد رفع مسوئولیت از مضطر نیز قابل استناد باشد. چه همانطوریکه ملاحظه

(۱) رجوع شود به تألیف یاد شده صفحه ۱۲۵.

(۲) سوره نحل آیه ۱۰۶ ترجمه "هر آنکس بعد از آنکه بخدا ایمان آورد باز کافر شد غیر از کسی که از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد".

(۳) سوره نور آیه ۲۳ ترجمه "هر کس آنها را اکراه به زنا کند خدا در حق آنها که مجبور بوده اند آمرزنده و مهربان است".

شد حالت اکراه و اضطراب فقط در وسیله و عامل تهدید باهم متفاوتند و گرنه وضع روحی مکره و مضطر در زمان ارتکاب عمل یکسان است. علاوه بر این تفکیک اضطراب و اکراه یک بحث حقوقی و علمی است و چون در علت رفع مسءولیت صرفاً "بوضع روحی خاص مرتکب در لحظه انجام عمل توجه می‌شود، احکام فوق در مورد مضطر نیز قابل اجراست.

در حقوق مدرن برخلاف دفاع مشروع که مفهوم روشن و دقیقی دارد، اضطراب خصوصاً در قلمرو مسءولیت مدنی غیرقراردادی مرز مشخص و دقیقی ندارد بطوریکه گاه تشخیص اضطراب از مفاهیم مشابه نظیر دفاع مشروع، اجبار، فوریت و حتی فورس مازور (قوه قاهره) بسختی امکان پذیر است. ولی باید توجه داشت که چون علل رافع تقصیر یا توجیه کننده مسءولیت دارای رژیم قضائی یکسان و اثر حقوقی مشابهی است، عدم تعیین مرزهای دقیق بین اضطراب و مفاهیم مشابه مشکل مهمی را در عمل بوجود نمی‌آورد.

اضطراب در محدوده مسءولیت غیرقراردادی بنا بر تعریف یکی از مؤلفین خارجی که در این زمینه تحقیق وسیع و عمیقی دارد (۱) حالات و موقعیتهائی است نسبتاً "متغیر که در آن حالات قاضی با توجه به انگیزه عامل می‌تواند و باید استثنائی بر قاعده حقوقی‌ای که معمولاً قابل اجراست وارد کند.

(۱) Roger Pallard "استثناء اضطراب در حقوق مدنی" رساله دکترای حقوق،

پواتیه ۱۹۴۹. همچنین به تحقیقات ارزنده مندرج زیر در مورد اضطراب مراجعه شود.

LALLEMAND, L'état de nécessité en matière civile thèse, paris 1922; SAVATIER, L'état de nécessité et la responsabilité civile extra contractuelle, étude de droit civil à la memoire de HENRI CAPITANT, P. 729; SAVATIER, responsabilité civile T.1, 2^e édit N° 98, SAVATIER, L'état de nécessité et la responsabilité délictuelle, thèse, paris 1941; ABOAT, L'état de nécessité de la responsabilité, thèse, paris, 1941; J.M AUSSEL, La contrainte et la nécessité en droit pénal 1956, préface. G. STEFANI; MAZEAUD, Rév. Trim. Dr. Civ, 1957, obs, P 507; RIOU, L'état, de dévouement, Rev. Trim. Dr. Civ. 1957, spécialement N° 19, p. 239

استاد "مازو"ی فرانسوی تعریف فوق را بدین نحو تصحیح می‌کند و می‌گوید که بهتر است بگوئیم "با توجه به مقتضیات" زیرا انگیزه خوب در انجام یک عمل مانع بی احتیاطی و ناشیگری نیست. (۱)

ایرادی که به تعریف فوق گرفته شده است این است که قبل از تعریف مادی اضطراب پنحوی که مشخص کننده اعمال و رفتار خاصی باشد، نتیجه حقوقی آن و بویژه اختیارات قاضی تعریف شده است.

یکی دیگر از استادان فرانسوی حالت اضطراب را حالتی می‌داند که در آن کسی خسارتی بوجود می‌آورد باین منظور که از ایجاد خسارت شدیدتری بخود یا دیگری اجتناب کند. (۲)

حالت اضطراب آنطوریکه یکی از استادان ایرانی حقوق مدنی می‌نویسند "هنگامی صدق می‌کند که کسی عمداً، ولی برای اجتناب از ایراد زبانی بزرگتر، به دیگری خسارت وارد می‌کند." (۳)

عمدی بودن ایجاد خسارت در این تعریف تا اندازه‌ای مفهوم اضطراب را محدود می‌کند زیرا ایراد خسارت پنحوی که خواهیم دید همیشه ضرورتاً "عمدی نیست." با الهام از تعاریف فوق می‌توان گفت که حالت اضطراب حالتی است که در آن شرایط و اوضاع و احوال خارجی بگونه‌ایست که مضطر علی‌رغم میل باطنی خود خسارتی را بوجود می‌آورد تا شاید از وقوع خسارت مهمتری به خود یا دیگری جلوگیری نماید.

در این تعریف بدون عامل توجه شده است. اول اینکه عمل مضطر اغلب غیر عمدی است چه عمد حالتی است که در آن فاعل عملی را بقصد ایجاد نتیجه خاص انجام می‌دهد. راننده اتومبیلی که برای احتراز از صدمه به عابری وارد مزرعه حاشیه جاده می‌شود عمل وی ارادی است ولی عمدی نیست زیرا بهیچوجه قصد ایجاد خسارت ندارد و اگر از او

(۱) هانری و لئون "مازو" و اندره "تانک" رساله تئوری و عملی مسئولیت مدنی، صفحه ۵۵۴ شماره ۴۹۲.

H.L.MAZAUD et TUNC, *Traité théorique et pratique de la responsabilité délictuelle et contractuelle*, T.1, P. 554 N° 492

(۲) "الکس وسیل"، حقوق مدنی، تعهدات، صفحه ۶۸۷ شماره ۶۳۷.

(۳) آقای دکتر سیدحسین صفائی، تألیف یاد شده، صفحه ۵۵۸.

سؤال شود که چرا وارد مزرعه مجاور شده است پاسخ خواهد داد برای جلوگیری از صدمه به عاشر نه برای وارد کردن خسارت به صاحب مزرعه‌ای که حتی او را ندیده‌است. دیگر اینکه مضطر خسارتی بوجود می‌آورد باین منظور که از خسارت مهمتری به خود یادگیری جلوگیری کند ولی باتمام تلاشی که می‌کند خسارت مهمتر نیز واقع می‌شود. بهمین دلیل کلمه "شاید" در تعریف فوق گنجانده شده است در مثال ارائه شده ممکن است راننده اتومبیل با تمام تلاشی که کرده است و وارد مزرعه غیر شده مع الوصف عاشر را نیز مصدوم کرده باشد.

گفتار دوم - اضطراب در دکتربین و رویه قضائی

همانطوریکه در تعریف اضطراب اشاره شد دو فرض در ایجاد خسارت از ناحیه کسی که در حالت اضطراب اقدام کرده است متصور است. در فرض نخست مضطر باین منظور اقدام کرده است که تا از ورود خسارت شدیدتری به خود یا اموالش مانعت کند. در فرض ثانی مضطر در جهت نفع دیگری اقدام نموده و خواسته است از وقوع خسارت مهمتری به جان یا مال دیگری جلوگیری کند.

ما در این گفتار بعلمت کمبود مدارک کافی در حقوق ایران (چه از نظر دکتربین و چه از نظر رویه قضائی) از عقاید علمای حقوق و آراء محاکم دادگستری فرانسه بهره گرفته، اعمال و رفتار مضطر را به شرح فوق در دو فرض مورد تجربه و تحلیل قرار می‌دهیم.

فرض نخست - در این فرض مضطر برای جلوگیری از ورود خسارت مهمی به خود یا اموالش، خسارت کم اهمیتتری را بدیگری وارد می‌آورد. در اینجا می‌توان گفت که چون بنا بر فرض شرایط و اوضاع و احوال اضطرابی بوده است مضطر برای جلوگیری از وقوع خسارت شدیدتر چاره‌ای جز ایجاد خسارتی خفیفتر نداشته است. اجبار در معنی و مفهوم وسیع خود در این جا وجود دارد. مثالی که در این مورد می‌توان ارائه داد مثال کسی است که اموالش در معرض خطر آتش سوزی است و برای جلوگیری از وقوع خسارت زیاد به اموالش، پتو، تهر و یا وسائل متعلق بدیگری را استفاده نمود و بوی خساراتی وارد می‌آورد. لازم به یادآوری است که عدم مسؤولیت مضطر مانع این نخواهد بود که براساس تشویری "دارا شدن بدون علت" و "اداره اموال غیر" از زبان دپده تا حدودی رفع ضرر شود. دیوانعالی کشور فرانسه در یک مورد ادعای اضطراب را از راننده مگامیونی که هنگام

شب در کنار جاده متوقف شده و موجب وقوع تصادفی شده است می پذیرد. باین دلیل که کامیون دارای محموله بسیار سنگین بوده پنحوی که نمی توانست است بدون خطر جدی از تپه مجاور جاده بالا رفتن و در آنجا متوقف شود لذا بناچار در کنار جاده پنحوی که کمترین مزاحمت ممکن را ایجاد نماید متوقف می شود و چراغهای پارک کامیون خود را نیز برابر آئین نامه روشن نکمیدارد. (۱)

ممکن است در بعضی از حالات اضطرار بتوان بجای اضطرار ادعای حالت "فورس مازور" (قوه قاهره) نمود ولی اگر مدعی اضطرار را عنوان می کند واز "فورس مازور" چشم می پوشد باین دلیل است که مفهوم "فورس مازور" کسرا را "مورد دقت و رسیدگی محاکم و مطالعه دکتترین فرانسه واقع شده و زیاده از حد محدود شده و مدعی فقط در صورتی حاکم می شود که ثابت کند قوه قاهره برای وی غیرقابل پیش بینی، غیرقابل مقاومت و غیرقابل رفع بوده است. صفات سه گانه مذکور به مفهوم "فورس مازور" ضمن محدودیت ماهیت معنوی خاصی می دهد که خود وجه تمایز آشکار ولی دقیق و ظریفی بین اضطرار و "فورس مازور" بوجود می آورد.

تشخیص اضطرار و دفاع مشروع نیز گاه بلحاظ نزدیک بودن مفاهیم آنها بسیار مشکل است ولی باید باین مطلب توجه شود که در دفاع مشروع فرض بر این است که متجاوزی بدو "به جان، مال و یا حیثیت دیگری تجاوز می کند و سپس مدافع برای خنثی کردن این تجاوز در مقام دفاع مشروع مرتکب اعمالی می شود که عنوان محرمانه ای دارد و حال آنکه در حالت اضطرار، مضطر برخلاف میل باطنی خود بکسی خسارت وارد می کند که نه تنها قبلا "به او حمله و تجاوزی نکرده است بلکه در اغلب موارد کوچکترین نقشی هم در ایجاد حالت اضطرار نداشته است.

فرض دوم - در این فرض مضطر در جهت نفع دیگری اقدام بعمل می کند ولی با این کار خود بمنافع شخص ثالثی زیان وارد می کند. لازم به یادآوری است که در این فرض، شخصی که مضطر بنفع او وارد عمل می شود، توسط کسی مورد حمله واقع نشده است تا بتوان باین حالت عنوان دفاع مشروع داد، بلکه بعللی اوضاع و احوال اضطراری و بحرانی بوجود آمده و انسانی در معرض خطر جانی و مالی است و انسان دیگری که در صحنه اضطراری است

(1) Civ, 2^e CH, 25 oct 1956 (aubin), J.C.P IV. 163; Rouen, 24 juin 1954, D. 1954. 739

بحکم تکلیف کمک وی می‌رود ، ولی اقدامات و رفتار شخص اخیر با اینکماز وقوع خسارت شدیدی جلوگیری می‌کند، به‌شخص ثالثی نیز خسارت وارد می‌آورد .

در فرض قبل‌بین منافع مضطر و تکلیف اجتماعی وی (عدم ایجاد خسارت بد دیگری) تعارضی بوجود آمده بود که مضطر بین دو ضرر کمترین را انتخاب کرده بود . در این‌جا تعارض بین دو تکلیف است . یکی تکلیف کمک به‌شخصی که در خطر جانی و مالی است و دیگری تکلیف احترام به حقوق مالی افراد . نظر باینکه‌هی توجیهی به‌رکدام از این تکالیف تقصیر تلقی شده و موجب مسوولیت است ، مضطر بناچار باید یکی از دو تکلیف را انتخاب کند و طبیعتاً " باید به وظیفه‌ای پاسخ دهد که خسارت کمتری را بوجود می‌آورد . در این‌صورت است که می‌تواند مدعی حالت اضطرار شده و از مسوولیت مبری شود .

دادگاههای فرانسه اعمال و رفتار مضطر در این فرض را تحت رفتار فداکارانه *Acte de dévouement* شناخته و بارها اعلام کرده اند که کسی که رفتار فداکارانه‌ای داشته است می‌تواند مسوولیت ناشی از خسارت رفتار و اعمال خود را متوجه کسی کند که اشتها متقصر او موجب ایجاد حالت اضطراری شده و علت اصلی مداخله او بود ما ست (۱) بشرطی که مداخله کننده مرتکب تقصیر و خطای بزرگی نشده باشد . (۲)

اگر اعمال فداکارانه منتهی به صدمه بدنی یا ضرر مالی خود مداخله کننده شود . جبران خسارت آن‌ها زهم‌بار عایت همان شرط بعهدده مسبب اصلی است . در این مورد دعوائی در یکی از دادگاههای فرانسه مطرح شده است که خلاصه آن به‌شرح زیر است .

در اوایل شب راننده کامیونی که محموله‌ای را بیدک می‌کشیده است از زیر پل اتوبانی عبور می‌کند . هنگام عبور قسمت فوقانی محموله بیدک شده به لبه پل برخورد و قطعه فلزی بطول ۲/۵ و عرض یکمتر از آن جدا می‌شود و با اتومبیلی که پشت سر کامیون در حرکت بوده است اصابت و آنرا واژگون می‌کند . اتومبیل دیگری که از جاده بالای پل عبور می‌کرده است با مشاهده صحنه تصادف متوقف و دو نفر از سرنشینان آن بکمک اتومبیل واژگون شده می‌شتابند . در حین کمک اتومبیلی از راه می‌رسد و مجدداً " با همان قطعه فلز تصادف می‌کند ولی این بار قطعه فلز مذکور به‌روی یکی از کمک کنندگان پرتاب می‌شود و موجب صدمه بدنی

(1) Grenoble, 7 dec, 1959, D.1960.213, Note Gore; J.C.P.

1960 II. 11598 Note ESMEIN

(2) Metz, ch.civ, 14 avril 1975. D.1975.314

وی می‌شود. شخص صدمه دیده از مسبب اصلی حادثه مطالبه جبران خسارت می‌نماید و او در پاسخ باین امر متوسل می‌شود که این شخص در هنگام کمک با آمدن بوسیله اتوبان بدون اخطار به سایر اتومبیل‌ها مرتکب خطا و تقصیر بزرگی شده است. این پاسخ با توجه به اوضاع و احوال قضیه مورد قبول دادگاه واقع می‌شود. (۱)

از رأی فوق این نتیجه گرفته می‌شود که اعمال و رفتار کسی که در حالت اضطرار کمک دیگری شتافته است، اگر توأم با خطا و تقصیر در حد متعارف باشد بلحاظ شرایط اضطراری خطا و تقصیر وی قابل اعمال بوده و مسئول خسارت وارده نیست و در صورتیکه خود نیز در این میان صدمه جانی و مالی دیده باشد می‌تواند بعنوان زیان دیده به مسبب اصلی که حالت اضطرار را بوجود آورده است مراجعه نماید. ولی اگر ضمن مداخله مرتکب خطا و تقصیر عمدۀ ای شود بنحوی که با در نظر گرفتن حالت اضطراری هم خطا و تقصیر وی قابل اغماض نباشد در این صورت نه تنها مسوول خسارات وارده بدیگری است، بلکه نسبت به خسارات شخصی خود نیز حق مطالبه از وی سلب می‌شود.

علاوه بر این ارزش چیزی که با مداخله وی از خطر نجات یافته است باید بیشتر از ارزش خساراتی باشد که بوجود آمده است. بنابراین اگر کسی انسانی را بکشد تا مالی ولو با ارزش زیاد را از خطر نابودی نجات دهد هرگز ادعای اضطرار وی پذیرفته نخواهد شد.

نتیجه تحقیق - اضطرار رافع تقصیر است.

بعنوان نتیجه این تحقیق مختصر یادآور می‌شود که در قلمرو مسوولیت مدنی قراردادی مجرد عدم اجرای تمهیدات ناشی از قرارداد مهتر به تنهایی تقصیر تلقی شده و موجب مسوولیت مدنی متمهد است.

حالت اضطرار در زمان انعقاد عقد، بگونه‌ای که مذکور افتاد اگر مورد بهره‌برداری نامشروع و وسیله اجبار قرار گیرد به اعتبار عقد صدمه زده و حتی اگر اضطرار ندرتا " بحدی باشد که موجب زوال قصد مضطر شود قرارداد باطل است. ولی در اکثر موارد اضطرار در حدی است که فقط رضای مضطر را معیوب می‌کند. بنابراین این قرارداد منعقدۀ نیز باید

(۱) رجوع شود به رفرانس شماره ۲۰ در صفحه قبل.

غیرنافذ باشد. بدیهی است که در هر دو حالت (بطلان وعدم نفوذ) تعهدات ناشی از قرارداد قابل اجرا نیست و عدم اجرای آن بعلت فقدان تقصیر، سوءولیت متمهدرا بدنال نخواهد داشت. مع الوصف عدم سوءولیت مضطر مانع این امر نخواهد بود که اگر طرف قرارداد کار یا خدمتی انجام داده است در ازاء آن دستمزد عادلانه‌ای دریافت دارد. البته نه براساس قرارداد بلکه بر مبنای سایر تئوری‌های حقوقی.

در این مختصر روی این مسأله بویژه تکیه شده که بین اضطرار و اکراه برخلاف آنچه اکثر مؤلفین حقوق ایران می‌نویسند، فرق عمده‌ای وجود ندارد و این یگانگی در مفهوم و دایره حقوقی آنها بچشم می‌خورد. تنها تفاوتی که می‌توان بین دو مفهوم قائل شد این است که در اکراه عامل تهدید و فشار انسان است و در اضطرار این تهدید ناشی از حوادث خارجی یا ناشی از اوضاع و احوال خاصی است که مضطر به آن دچار شده است. البته در هر دو حالت مضطر و مکره رضایت با انعقاد عقد یا انجام معامله ندارد و کلیه استادان ایرانی حقوق در اینکه رضای مضطر مانند مکره معیوب است اتفاق نظر دارند ولی بمحض اینکه صحبت از نفوذ یا عدم نفوذ معامله اضطراری می‌شود به تبعیت از قانون مدنی معامله اضطراری را معتبر می‌دانند.

در محدوده سوءولیت مدنی غیر قراردادی (سوءولیت ناشی از جرم و شبه جرم) دیدیم که اگر چه تشخیص اضطرار از مفاهیم مشابه نظیر دفاع مشروع، اجبار، فورس ماژور ممکن است مشکل بنظر برسد ولی این مفاهیم حقوقی با هم قابل اشتباه نیستند، هر چند که اثر حقوقی و رژیم قضائی آنها تقریباً یکسان است. اضطرار در این زمینه نیز بنحوی که مشاهده شد تحت شرایطی رافع تقصیر است و عدم سوءولیت مضطر را بدنال دارد. مضطر تنها در صورتی مسئول خواهد بود که مرتکب خطا و تقصیر بزرگی شده باشد. در فرضی هم که مضطر از جان یا مال خود، بهزیان دیگری، رفع خطر کرده است دیدیم که عدم سوءولیت وی مانع حبران خسارت و پرداخت غرامت براساس تئوری " دارا شدن بدون علت " و یا " اداره اموال غیر " نخواهد بود.

" پایان "

فهرست منابع بزبان فارسی و فرانسه

۱- فهرست منابع بزبان فارسی (منابع کلی) .

- (۱) امامی، دکتر سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوم ۱۳۳۵.
- (۲) بروجرودی عبده، محمد، حقوق مدنی، چاپ تهران ۱۳۲۹.
- (۳) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، رساله دکتری، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۴۹.
- (۴) جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، حقوق تمهیدات، از انتشارات مدرسه عالی و امور قضائی و اداری قم، ۱۳۵۴.
- (۵) صفائی، دکتر سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، تمهیدات و قراردادهای، از انتشارات مدرسه عالی حسابداری ۱۳۵۱.
- (۶) صفائی، دکتر سیدحسین، مفاهیم و ضوابط جدید حقوق مدنی، از انتشارات دانشگاه مرکز تحقیقات شهرپور ۱۳۵۵.
- (۷) قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تمهیدات، جلد اول، چاپ تهران ۱۳۴۷.
- (۸) عدل مصطفی (منصور السلطنه)، حقوق مدنی، چاپ هفتم، تهران ۱۳۴۲.
- (۹) کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، جلد اول، مقدمه، اموال، کلیات قراردادهای، دانشگاه تهران چاپ ششم ۱۳۵۴.
- (۱۰) یزدی، ابوالقاسم بن احمد، ترجمه فارسی شرایع الاسلام، چاپ دانشگاه تهران، جلد سوم ۱۳۴۹.

۲- فهرست منابع بزبان فرانسه

الف - منابع کلی با ذکر شماره، مطلب یا صفحه مربوطه مسأله اضطرار.

- (1) CARBONNIER, Droit civil, T.4.N^o 2:
- (2) FLOUR et AUBERT, Droit civil, Les obligations
N^o 214 et s

- (3) MARTY et RAYNAUD, Droit civil, T.2.N^o 140
- (4) MAZEAUD, Leçons de droit civil, T.2 par De Juglart
N^o 200
- (5) MAZEAUD (H.L) et TUNC, Traité théorique et pratique
de la responsabilité délictuelle et contractuelle
N^o 492, P. 554
- (6) STARCK (BORIS), Droit civil, obligations paris, 1972,
N^o 1381, P. 430
- (7) WEILL (A) et TERRE (F), Droit civil, les obligations
T.II, 1976 N^o 188
- (8) JOSSERAND, les Mobiles dans les actes juridique
N^o 82
- ب منابع اختصاصی یا منابعی که منحصراً "مسئله‌ها و ضوابط در آنها مورد بررسی قرار گرفته
است."
- (1) ABOAF, L'état de nécessité et la responsabilité
délictuelle, thèse, paris 1941
- (2) AUSSEL (J.M), La contrainte et la nécessité en droit
pénal 1956, préface. G.STEFANI
- (3) LALLEMAND, L'état de nécessité en matière civile,
thèse, paris, 1922
- (4) PALLARD (R) L'exception de nécessité en droit civil,
thèse Poitiers, 1949, préface. SAVATIER
- (5) SAVATIER, L'état de nécessité et la responsabilité
civile extracontractuelle, étude de droit civil à la
memoire de HENRI CAPITANT, p.729
- (6) SAVATIER, L'état de nécessité et la responsabilité
délictuelle, thèse, paris 1941
- (7) RIOU, L'état de dévouement, rév.trim.dr. civ 1957
N^o 19, P. 239
- (8) RODIERE (R) Traité général de droit maritime
événements de mer N^o 188 et s